

جهان سومی نباشیم

«کشور ما فقیر نیست و نباید به جهان سوم تعلق داشته باشد، ما می‌توانیم ایران را به یک کشور مرفه و به الگویی تبدیل کنیم که قادر باشد به کشورهای اسلامی و فقیر کمک کند.»

در یکی از روزهای آخرین ماه پاییز امسال رئیس‌جمهور ایران با ذکر چنین سخنانی چهره جدیدی از آینده کشور توسیم کرد.

این که ایران نباید به جهان سوم تعلق داشته باشد سخنان شایسته‌ای است زیرا کشور ما همه ویژگی‌ها و پارامترهای یک کشور پیشرفته را داراست، اما متأسفانه هم اکنون و البته تا زمانی که چین و هند اعلام می‌کنند جهان سومی هستند ما در کجای جهان و در کدام مرتبه از آن قرار داریم؟

* * *

- کشورهای توسعه یافته با مدیریت کارآمد، نیروی کارشناسی ماهر ابزار توسعه و صدور دانش فنی، خدمات و اقتصاد توانسته‌اند دنیا را به تکنولوژی خود وابسته کنند و این در حالی است که ایران بسیاری از نیروهای کارشناسی و اندیشمندان کارآمد خود را صادر کرده است و آنان که در ایران هستند در خلسه فرو رفته‌اند و سر در پی خویش دارند که دولت آنها را مورد لطف و تفضل شایسته قرار نمی‌دهد.

- ابزار توسعه که امروزه یکی دیگر از شاخص‌های صنعتی شدن قلمداد می‌شود در دنیا به راحتی قابل خرید و تحصیل است و اگر کارگزاران ذریعته ایرانی نگرشی مانند چند دهه پیش نداشته باشند مسلماً می‌توان ابزار توسعه را به راحتی تدارک دید و با تحقیقات کاربردی و رهایی از شعارهای خودکفایی بدون کفایت، در پیشرفت و تکامل علم با دنیا شریک شد.

- متأسفانه آنچه که در ایران جای خالی بسیار دارد الگوی توسعه اقتصادی و نظرات کارشناسانه در این زمینه است. نداشتن طرح و استراتژی برای رسیدن به رشد در بسیاری از برنامه‌های اقتصادی از ابتدای کار روشن است. در برنامه ۵ ساله اول پیش‌بینی تهیه مخارج توسعه با فروش نفت از قرار هر بشکه حدود ۱۷ دلار شده بود اما در ماههای اخیر صحبت از ۷ الی ۱۰ دلار برای هر بشکه نفت می‌شد و چه تضمینی وجود دارد که قیمت نفت به ۴ یا ۵ دلار برای هر بشکه تنزل پیدا نکند در حالی که کارشناسان معتقد هستند هزینه تولید هر بشکه نفت بیش از این است و جای این سؤال وجود دارد که آیا همه برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی بر اساس «امروز نیز بگذرد» نوشته می‌شود؟

- شهامت بعضی از مجریان به اعتراف می‌تواند بررسی‌کننده این مسئله باشد که چرا بعد از گذشت چند سال از جنگ، با توجه به افزایش تولید و فروش نفت، دریافت بخش قابل توجهی از طلب‌ها از

کشورهای خارجی، لغو بسیاری از تحریم‌ها و آزادی بیشتر در صادرات واردات، هنوز نه تورم مهار شده است و نه قیمت‌ها کنترل یا تثبیت شده و حتی امتیازات تورم نیز مشهود نیست (علیرغم تمامی نقاط منفی تورم، حداقل تغییرات مثبت اقتصادی از امتیازات آن است).

- سیاست دولت در کاهش حجم نقدینگی نیز نه به ارزشمند شدن ریال انجامیده است نه به مهار تورم و بانکها که کارگزاران سیاست و نظام پولی دولت هستند با اشتها و علاقه زیاد وام یا اعتبار بیشتری برای خدمات (با بهره حدود ۲۵ درصد) اختصاص می‌دهند تا برای تولید (با بهره حدود ۱۲ درصد)، چرا که برای پرداخت یک میلیارد تومان جایزه تامین هزینه‌های بانک و بیلان سود، باید که چند درصد از بهره پول بی بهره مردم را به خودشان واگذار کرد.

- کارگزاران و کارمندان (نه مدیران و مسئولین) و در مجموع حقوق‌بگیران و جیره‌خورهای دولت با متوسط دریافتی ۷ الی ۸ هزار تومان حتی قادر به تامین مواد سهمیه‌بندی شده و کوپنی نیستند چرا که در یک خانواده ۴ الی ۵ نفره برای تامین گوشت، میوه، نان، سوخت، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش و فرهنگ و سایر مایحتاج، هر فرد خانواده در یک شبانه روز حدود ۵۰ تومان دریافتی دارد (در مصاف با استاندارد جهانی در آمد و مصرف سرانه چیزی در حدود ۴۰ سنت) آنوقت بیجا نیست که شیر بدون سوسپند روی دست مغازه‌داران می‌ماند و گوشت مرغ در پشت شیشه یخچالها انبار می‌شود و داد و ستد مسکن راکد و پوشاک و البسه از مغازه به انبار و از انبار به نمایشگاهها سرازیر می‌گردد.

- و در ارتباط با تامین نیاز کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی از خارج، فروشنده‌های صنایع و کالاهای مختلف از اقصی نقاط کشورهای فروشنده، برای پیدا کردن خریدار همه جا را در می‌نوردند، نمایشگاه برگزار می‌کنند در مناقصه‌ها با بهترین کیفیت و بهترین شرایط، ارزاترین قیمت‌ها را می‌دهند، قیمت آخر، تخفیف مخصوص، قیمت ویژه و... پیشنهاد می‌کنند. آنوقت ایران بیش از ۱۰۰ دفتر خرید (به گفته یکی از نمایندگان مجلس حدود ۱۳۰ دفتر) در کشورهای خارجی و نزدیک به ۳۰ دفتر وزارتی، نهادی و سازمانی در امارات عربی دارد. از طرف دیگر عرضه و تقاضا، واردات مواد اولیه، تولید و قیمت تمام شده هیچ تناسبی با هم ندارند. هنوز قیمت تمام شده یک کالا با مشابه وارداتی آن اختلاف بسیاری دارد. اتومبیلی که قیمت فروش مونتاژ شده آن در ایران حدود ۲۰ هزار دلار است، نرخ خرید (با کیفیت بهتر) و تحویل آن در بندرعباس کمتر از ۱۰ هزار دلار است، قیمت تمام شده یک کیلو گوشت مرغ در بازار جهانی بین ۷۰ الی ۸۰ سنت است و همین رقم برای تولید در ایران به حدود ۱۰۰ الی ۱۳۰ سنت می‌رسد.

- بحث از این دست فراوان است و مسئولین گزارش‌هایی بیش از این در فایل‌ها محبوس کرده‌اند، اما برای اینکه جهان سومی نباشیم پیش از همه چیز باید اطلاعات و آمار صحیح را از زندان پرونده‌ها و قفسه‌ها رها سازیم، معنای خط فقر، جهان سومی، کمک‌گیرنده و... را برای مردم باز کنیم، به آنها بگوییم دلار ۷ تومانی وجود ندارد (واردات را با دلار ۱۴۰ تومانی مجاسبه نکنیم و صادرات را با دلار ۷ تومانی) و ماحصل اینکه الگوی مناسب توسعه اقتصادی را بر اساس توان و توانایی‌های کشور مطالعه، بررسی و انتخاب کنیم، در این راستا قبول کنیم که: آزمایش و کسب تجربه کافی است!